

شهید بهشتی (ره) :

اگر ما بگوئیم که هر ماشینی که پیچیده تر است مکانیکی آن ماشین مشکل تر است باید عرض کنم پیچیده ترین ماشین ها انسان است و مکانیکی او یعنی تعلیم و تربیت واقعاً از هر فن مکانیکی پیچیده تر و سخت تر است.^۲

مقدمه

مهمترین رسالت نظام اسلامی برنامه ریزی برای رشد و پرورش انسانهای مؤمن و عالم به تعالیم است. انجام این رسالت، علاوه بر بالندگی، دوام و استكمال نظام اسلامی، بستری فراهم می کند تا آحاد و جامعه وظایفی را که خداوند برای آنها معین فرموده انجام دهند و به سوی فلاح و رستگاری گام بردارند. به همان میزان که برنامه ریزی برای تعلیم، تربیت و رشد دینی، لازم و ضروری است، آسیب شناسی فرایند تعلیم و تربیت نیز ضروری می باشد چرا که، شناسائی آفت هایی که در طول این مسیر تربیت دینی ظاهر می شود و رفع آنها، بهبود نظام تعلیم و تربیت دینی را در نسل های آینده به دنبال خواهد داشت. بررسی نظرات آیت الله دکتر شهید بهشتی پیرامون آسیب های تربیت دینی جایگاه و اهمیت ویژه ای دارد چرا که وی شخصیتی است که نه تنها خود صاحب اندیشه ی دینی است بلکه تربیت یافته ی دین نیز می باشد و سالیان متمادی در کسوت روحانی در دو نهاد روحانیت و آموزش و پرورش با تعلیم و تربیت مأنوس بوده است.

این مقاله کوششی است در جهت پاسخگویی به ۲ سؤال اصلی در زمینه آسیب های تربیت دینی :

۱- از نظر دکتر بهشتی چالش ها، موانع و آسیب های تعلیم و تربیت دینی کدام است؟

۲- از نظر ایشان نقش و سهم عوامل مؤثر یا بازدارنده ی تعلیم و تربیت دینی کدام است؟

^۱ - دانشجوی دوره ی دکتری، دانشگاه امام صادق (ع) - کارشناس برنامه ریزی و تألیف کتابهای دینی، دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی.

^۲ - بهداشت و تنظیم خانواده، ص ۴۳

۱- آسیب های تربیت دینی در زمینه ها و محیط

تعلیم و تربیت دینی محصول کارکرد تمام دستگاه های فرهنگی - تربیتی مثل مدرسه ، خانواده ، رسانه های جمعی ، تمام نهادهای سیاسی ، اقتصادی ، قضایی و ... در کنار محیط اجتماعی است . وفا داری به باورها و آموزه های دینی و تجلی آن در برنامه ریزی ها و تصمیم گیری های عوامل مذکور، زمینه ساز و تسهیل کننده ی تحقق اهداف تربیت دینی است و عدم پای بندی یا کارکرد های نامطلوب آنها به عنوان مانع جدی و آسیب زا در فراروی مخاطبان تربیت قرار دارد . امری که شهید بهشتی به تناسب موضوعات به طرح آن پرداخته است .

۱-۱: خانواده

۱-۱-۱: بی توجهی به نیازهای جسمی

خانواده به عنوان اولین کانون رشد و تعالی فرد باید زمینه های پرورش ابعاد جسمی و روحی او را فراهم کند . ضرورت رفع نیازهای جسمی از آن جهت در نظر شهید بهشتی اهمیت دارد که بسیاری از مشکلات آموزش و یادگیری ، به نقص و سوء تغذیه ، بیماری اندامها و دستگاه های بدن دانش آموزان بر می گردد. از جمله بیماری دستگاه گوارش یا اندامهای چشم و گوش^۱ .

در نگاه شهید بهشتی ، عدم توجه به نیازهای جسمی از سوی خانواده ها ناشی از فقر فرهنگی و اقتصادی آنهاست که خود زمینه ی آسیب های گوناگونی را فراهم می کند:

«خانواده ای است از نظر اقتصادی ؛ با درآمد کم ، از نظر وقت و فراغت پدر و مادر ؛ با فراغت و وقت کم و محدود، از نظر امکانات تأمین حداقل خوراک و پوشاک و فرهنگ و بهداشت برای بچه ها؛ کم بضاعت . در چنین خانواده ای فرزندان دچار آسیب های گوناگون ، آسیب های جسمی که در روح مؤثر است و آسیب های روانی و اخلاقی و تربیتی می شوند^۲ .»

۱-۱-۲: بی توجهی به نقش الگویی خود

اقتضای فطرت کودک و نیازهای جسمی او سبب می شود که بیشترین ارتباط را با والدین داشته باشد این در حالی است که میزان تربیت پذیری کودک از والدین بسیار عمیق و پا برجاست . کودک با اعتماد و اطمینان ، تمام آنچه که از والدین سر می زند درست و نیکو می شمرد و بدین ترتیب ، تربیت پذیری کودک به الگو پذیری از والدین تبدیل می شود^۳ .

شهید بهشتی معتقد است که الگو پذیری کودک ، فضایی را ایجاد می کند که خانواده می تواند با تکیه بر آن ، زمینه های پرورش عاداتها ، خصلتها و خلقیات پسندیده را فراهم نماید. آنها می توانند با

۱- نقش آزادی در تربیت کودکان ، ص ۸۰

۲- بهداشت و تنظیم خانواده ، ص ۱۶

۳- نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت ، ص ۴۲- ۴۱

رفتار خود و باهوشیاری، زمینه را برای آموزش مفاهیم دینی مهیا سازند.^۱ چرا که عمل و رفتار پدر و مادر تأثیر عمیق و ریشه داری شبیه وراثت طبیعی در فرزندان دارد.^۲

هر چند اثر پذیری فرزندان فرصت مناسبی را برای تربیت آنان فراهم می کند برخی از والدین بدون توجه به نقش الگویی خود، بر خلاف اهداف تربیتی خویش عمل می کنند:

« اگر من و شما با عاطفه ، محبت و دلسوزی مراقب پدر و مادر بودیم بچه ها خود به خود این را یاد می گیرند . خانم ، دختر شما که در خانه ده ها بار ناظر بوده که به شوهرتان گفتید : آخر من تا کی باید در پرستاری کردن از مادرت با تو همکاری کنم ؟ ! چه انتظاری دارید که این دختر ، فردا پرستار شما و شوهرتان باشد ؟ »

از نظر شهید بهشتی بسیاری از ضعف های تربیتی که در بزرگسالان دیده می شود حاصل تربیت های ناخواسته ی والدین بوده است . به عنوان مثال از علل عمده ای که بچه ها تارک الصلوه می شوند یا به نماز اهمیت نمی دهند این است که پدرشان با نماز این چنین برخورد می کرده است .^۴

۱-۳- تضاد میان دو نسل

از مسائل بسیار مهم اجتماعی زمان حاضر ، درگیری دو نسل نوسال و جوان سال با نسل قبل از آن است. از نظر تعالیم اسلام این درگیری در دو حوزه صورت می پذیرد. اول: درگیری دو نسل بر سر حق و باطل ، عدل و ظلم ، خیر و شر . دوم : رعایت حدود و حقوق پدر و مادر و فرزندان و حقوق متقابل^۵ . شهید بهشتی با تبیین ویژگیهای جوانان و نوجوانان از قبیل حق گرایی ، حق دوستی ، حق پرستی ، خیر دوستی و عدل دوستی ، این ویژگی ها را در اغلب جوانان بیشتر از سایر افراد دانسته است و آن را زمینه ی مساعد خدادادی برای بهره برداری شایسته می داند و بی توجهی به آن را تیره بختی می نامد^۶ . بر اساس تبیین ایشان ، جوانان می خواهند مطابق گرایش فطری خود، به حق عمل کنند و آن را در والدین نیز مشاهده نمایند ولی نسل قدیم ترمز نسل جدید می شود و اجازه ی بالندگی و رشد را به آنان نمی دهند^۷ . این در حالی است که اسلام این درگیری ها را نه شوم دانسته و نه بد تلقی کرده ، بلکه آن را عامل تکامل ، تحرک و پویایی جامعه ، معرفی نموده است^۸ .

۱- نقش آزادی در تربیت کودکان ، ص ۸۹

۲- بهداشت و تنظیم خانواده ، ص ۴۲

۳- نقش آزادی در تربیت کودکان ، ص ۵۰

۴- سرود یکتا پرستی ، ص ۹۴

۵- نقش آزادی در تربیت کودکان ، ص ۵۰

۶- همان

۷- همان ، ص ۵۵

۸- همان ؛ ص ۵۷

البته گاهی نیز نسل جدید ترمز نسل قدیم می شود و آن زمانی است که عشق و علاقه ی والدین به فرزندان مانع از حرکت آنها در مسیر رشد و تعالی می شود. جلوگیری از این آسیب در درون خانواده، تنها زمانی امکان پذیر است که در خانواده، «حق» محور باشد. و همه در برابر حق تسلیم باشند^۱.

۱-۲: دوستان و همسالان

تاثیر همسالان و دوستان در رشد شخصیت و رفتار کودکان مقام دوم را دارد. دوستان و همسالان می توانند برخی از رفتارها را در کودکان تقویت نمایند یا تغییر دهند^۲. به همین دلیل، والدین باید در انتخاب دوست برای فرزندان مشارکت فعال داشته باشند. آنان به حکم طبیعت به دنبال همبازی و رفیق می روند. اگر خانواده برای آنان همبازی و رفیق متناسب با معیارهای تعلیم و تربیت اسلامی تأمین نکند سراغ دوستان فاسد می روند و تلاش خانواده در تربیت آنها خنثی یا کم اثر می شود^۳.

۱-۳: رسانه ها

نقش رسانه ها به ویژه رسانه های جمعی سمعی و بصری در تکوین شخصیت آحاد جامعه بخصوص جوانان و نوجوانان نقشی غیر قابل انکار است. این رسانه ها با استفاده از ابزارهای هنری در شناخت، نگرش و رفتار دانش آموزان اثر می گذارند.

متولیان تعلیم و تربیت، باید با توجه به میزان اثر گذاری این رسانه ها از آنها بهره گیری نمایند و از انحصار در استفاده از ابزارهای نوشتاری خارج شوند^۴.

با توجه به تنوع و اثر گذاری رسانه ها چنانچه آنها هماهنگ با برنامه ریزی های نهادهای تربیتی گام بر دارند می توانند نقش بسیار مثبتی را برای رسیدن به اهداف تربیتی ایفا کنند. در غیر اینصورت آسیب زا می باشند و فرایند تربیت را مختل می نمایند: شهید بهشتی با اذعان به این مهم می گوید:

« هر قدر بر گوش او (دانش آموز) بخوانیم (تبلیخ کنیم) او یک خبر در روزنامه می خواند، یک تصویر در روزنامه می بیند، یک گزارش در تلویزیون می بیند، یک فیلم در فلان جا می بیند. از زندگی دیگران و وضع دیگران و شکل کار دیگران مطلع می شود و دلش در خانه ی دیگران است»^۵.

۱- همان، ص ۵۷

۲- روانشناسی کودک، ص ۱۶۵

۳- نقش آزادی در تربیت کودکان، ص ۱۴۰

۴- باید ها و نیاید ها، ص ۱۴۲

۵- همان، ص ۳۸

۱-۴: محیط و عوامل اجتماعی

شهید بهشتی با تأکید بر نقش ویژه ی محیط اجتماعی در فرایند تعلیم و تربیت ، چگونگی تأثیر گذاری آن را در بیانی زیبا اینگونه ترسیم می کند:

« همانگونه که یک گل خوش بوی لطیف نازک ، خیلی زودتر در برابر عوامل فساد متأثر و منفعل می شود و به فساد و پژمردگی می گراید ، روح لطیف آدمی به مراتب از جسم او برای آلوده شدن حساس تر و آماده تر است و به دلیل خاصیت قبول و انعکاش ضمانت بیشتری می خواهد تا در برابر عوامل فساد محیط مصون بماند.»^۱

در عین حال، اثر گذاری عوامل اجتماعی و اثر پذیری انسان از آنها را محدود می داند :

« هیچ انسانی محکوم هیچ غیر اجتماعی نیست ولی کیفیت و روابط و مناسبات اجتماعی و اقتصادی روی انتخاب آگاهانه ی انسان اثر می گذارد اما نه در حد جبر بلکه در حد اینکه انتخاب او را آسان تر یا دشوارتر ، رفتن او را به این سو یا آن سو، آسان تر یا دشوارتر کند.»^۲

شهید مطهری (ره) نیز در بیانی جذاب نقش محیط را اینگونه تبیین کرده است:

« خداشناسی و خدا پرستی طبعاً مستلزم یک نوع تعالی روحی خاصی است ، بذری است که در زمینهای پاک رشد می کند. زمینهای فاسد و شوره زار ، این بذر را فاسد می کند و از میان می برد .»^۳

از همین رو شهید بهشتی همه ی محیطها برای شکوفایی و باروری انسان را یکسان نمی داند : محیط هایی هستند که باروری و رشد نیک خواهی ، خیر خواهی و خدا خواهی انسان را آسانتر می کنند و بر عکس محیط هایی هستند که ضمن تضعیف ارزش های مذکور ، فضا را برای شیطان پرستی ، هواپرستی و تباهی فراهم می آورند. از همین رو اسلام بر خلاف لیبرالیسم نسبت به فساد و صلاح جامعه بی تفاوت نیست.^۴

« یکی از جنبه های بسیار مهم در وظیفه ی بزرگ و خطیر امر به معروف و نهی از منکر و دعوت زبانی و عملی به خیر این است که محیط اجتماعی را برای پرورش استعدادها و آمادگی خیر در توده ها آماده می کند و به عکس ، جامعه ای که در او گناه و فساد و تباهی و ظلم و ستم و عدوان رواج دارد چنین جامعه ای محیط مساعدی برای رشد نقطه های ضعف بشری و پژمردگی نقطه های قوت و خیر بشری است. حساب امر به معروف و نهی از منکر ، ... حساب محیط سازی است . محیط سالم برای پرورش سالم و صحیح استعدادهای خیر نهفته در انسانهاست مسأله ی بهداشت محیط اجتماعی است .»^۵

در نظام اسلامی هر گونه آزادی که زمینه ی فساد محیط را آماده کند ممنوع است چرا که :

« این نوع آزادی زمینه ی اجتماعی را برای آسانتر شدن نفوذ فساد در انسانهای دیگر و به بیراهه کشاندن انسانهای دیگر را آماده می سازد و نظام اسلامی در اداره ی جامعه باید مواظب این انحراف باشد.»^۶

۱- سرود بکتا پرستی ، ص ۱۸- ۱۷

۲- آزادی ، هرج و مرج ، زور مداری ، ص ۴۴

۳- علل گرایش به مادیگری ، ص ۱۷۰

۴- آزادی ، هرج و مرج ، زور مداری ، ص ۴۷ - ۴۶

۵- باید ها و نباید ها ، ص ۱۷۰

۶- آزادی ، هرج و مرج ، زور مداری ، ص ۸۰

۱-۵: حکومت

آسیب های ناشی از ناحیه ی حکومت از مهمترین آسیب ها در تربیت دینی است. حکومت ها به فکر و عمل جامعه جهت می دهند و اندیشه ها و باورهای خود را در میان مردم می گسترانند سخن امام علی (ع) ناظر به همین مسئله است:

« الناس بامرائهم ائبه منهم بابائهم »^۱

« مردم - در روش های اخلاقی و صفات اجتماعی - به حکومت های خود بیشتر شباهت دارند تا به پدران خویش. »

به همین دلیل شهید بهشتی در پاسخ به این سؤال (مقدر) که وظیفه ی مسلمانان در این خصوص چیست؟ می گوید: بر هر انسان مسلمان متعهدی لازم است که محیط را برای سالم زیستن خود و دیگران پاک نگه دارد و این زمانی اتفاق می افتد که مؤمنان عمل کننده ی به ایمان و اهل ایمان و عمل، قدرت را در دست بگیرند و بر کافران ناسپاس حق ناشناس حق کش پیروز شوند.^۲ و معتقد است که: « آن قدر که عمال و کارگزاران جامعه به فکر و عمل جامعه جهت می دهند خطبا و داعیان جامعه نمی توانند آن اندازه به فکر و عمل جامعه جهت بدهند. »^۳

بنابراین اگر حکومت، حکومتی باشد که سرشتش، سرشت عدل، حق، خداانگری، خدا خواهی، خدمت به خلق خدا نباشد، این باورها قادر به رشد کردن و بالیدن در آن جامعه نمی شوند.^۴ از سوی دیگر، آن زمان که حکومت، حکومت اسلامی باشد و مؤمنان، قدرت را در دست گرفته باشند، تربیت دینی از ناحیه ای دیگر ممکن است آسیب بیند. به عقیده ایشان اگر در حکومت دینی و اسلامی، تلاش و کوششی، جهاد و جنبشی در راه آرمانها و باورهای دینی صورت نگیرد، نه تنها دیگران بلکه مردم جامعه ی اسلامی نیز از آن روی گردان می شوند و زمینه ی انحراف جوانان فراهم می شود.^۵

۱- تحف العقول عن ال الرسول، ص ۲۰۷

۲- نقش آزادی در تربیت کودکان، ص ۴۳

۳- بایدها و نبایدها، ص ۱۵۸

۴- همان، ص ۱۵۹

۵- همان، ص ۸۴

۲- آسیب های تربیت دینی در حوزه ی « منابع و محتوا »

۲-۱: حذف عقل از منابع شناخت

گروهی از مسلمانان از جمله اشعری ها معتقدند که عقل انسان قابلیت فهم شرع و حق دخالت در شناخت احکام و معارف اسلامی را مطلقاً ندارد. آنها آموزه های دینی را اصولی یکسره تعبدی و فاقد پشتوانه و دلیل عقلانی می دانند.^۱ شهید بهشتی منشأ این خطای خطرناک را اینگونه بیان کرده است.

« با کمال تأسف عده ای در جهت تقویت وابستگی انسان مسلمان به کتاب و سنت و محکم کردن پایگاه حجیت و ارزش و سندیت کلام خدا و سنت رسول خدا (ص) به سوی افراط رفتند. این در حالی است که عدم شناخت خوب و بد توسط انسان، به راستی خطرناک می باشد.»^۲

این تصور در حالی است که یکی از اهداف تربیت دینی در ادیان الهی، تربیت انسان عاشق عاقل است نه عاشق بی عقل. انسانی که با مطالعه و تفکر در زمینه ها و مقتضیات و با درک درست از استعدادها و آمادگی خود، راه مناسب را انتخاب نماید.^۳ اسلام می خواهد بشر با شناخت روشن اندیشه ی تحلیل گر (عقل) خود از بدیهی ترین نقطه ها و با روشن ترین روندها آغاز کند و پیش برود. اسلام از وحی و پیغمبر شروع نمی شود بلکه از روشن ترین شناختهای بدست آمده از عقل بشر شروع می شود.^۴

به عقیده ی صاحب نظران تعلیم و تربیت، غیر عقلانی معرفی کردن معارف و احکام دینی، پیامدهای خطرناکی دارد، از جمله آنکه باعث می شود تربیت دینی بر پایه های سست و لرزان بنا شود که خود عدم تقید به احکام اسلامی را در پی خواهد داشت.^۵

شهید بهشتی این آسیب را چنین تبیین می کند:

تجربه نشان داده است آدمهای خیلی متدین که سعی دارند مطابق با قالبهای شریعت زندگی کنند اگر بی دین شوند از کثیف ترین، رذلتترین و ناجوانمردانه ترین انسانها از آب در می آیند این در حالی است که در افراد دیگری که به خدا و دین و پیامبر و قرآن معتقد نیستند، یک نوع جوانمردی، ادب، عاطفه و نیکی قابل رؤیت است. چرا؟

والدینی که از آغاز کودکی فرزندشان در تربیت و ترغیب او به کارهای نیک، آنها را وابسته به امر خدا و ترهیب از کارهای زشت، به نهی خدا استناد کرده اند، ذهن، منش و شخصیت عملی و رفتاری او را به یک نقطه ای مبدأ (خدا) متصل کرده اند. حال که این مبدأ از دست او گرفته شده و بی خدا شده، تمام آنچه هم به دنبالش بوده می رود و دیگر هیچ چیز برایش باقی نمی ماند. این در حالی است که در

۱- بایدها و نبایدها، ص ۸۳

۲- همان، ص ۷۸

۳- همان، ص ۴۹

۴- حق و باطل از دیدگاه قرآن، ص ۳۹

۵- آسیب شناسی تربیت دینی، ص ۱۳۷

زندگی انسانی که معتقد به خدا نبوده یا اگر بوده در تربیت او نقش منحصر به فرد نداشته ، این اتفاق رخ نمی دهد . دینی که اشعریون درست کردند انصافاً سر نوشتش همان است.^۱
از دیگر آسیب ها که شهید بهشتی در حوزه ی منابع به آن اشاره می کند ، محدود نمودن منابع و مآخذ شناخت دین به قرآن کریم با شعار « حسنا کتاب الله » می باشد.^۲

۲-۲: انحراف مفاهیم دینی

ایشان آسیب ها در حوزه ی انحراف مفاهیم دینی را در اشکال زیر معرفی می کند:

- ۱- التقاط ؛ در شکل نوآوری و نوپردازی به منظور قابل قبول کردن اسلام برای کسانی که دستخوش افکار مادی شده اند.^۳
- ۲- تفسیر به رأی^۴ ، تأویل های انحرافی در باره ی آیات قرآن کریم^۵ و برداشت های غلط و استنباط های نابجا از منابع دینی^۶
- ۳- تمسک و استناد به روایات غیر صحیح ، مخدوش و مجعول که هیچ نسبت و ارتباط اصیلی با قرآن کریم و پیشوایان اسلام ندارند.^۷

در دوران معاصر تحریف مفاهیم و تعالیم دینی از جانب بیگانگان به صورت منظم و با برنامه ریزی کامل دنبال می شود . آنان برای متزلزل کردن بنیان اسلام و تحت عنوان استشراق و تحقیق پیرامون اسلام به تحریف مفاهیم دینی می پردازند و از آنجا که نویسندگانی خوش قریحه ، خوش قلم ، اهل کار و مطالعه ، خوش سلیقه و به ویژه آشنا به سلیقه جوانان می باشند، اثر گذارند.^۸

۱- بایدها و نبایدها ، ص ۷۵ - ۷۴

۲- روش برداشت از قرآن ، ص ۵۵

۳- شریعتی جستجو گری در مسیر شدن ، ص ۷۲

۴- همان ، ص ۹۶ و روش برداشت از قرآن ، ص ۳۱ - ۲۶

۵- همان ، ص ۵۲ - ۴۴

۶- موسیقی و تفریح در اسلام ، ص ۲۵

۷- همان ، ص ۲۱ و روش برداشت از قرآن ، ص ۴۱

۸- نقش آزادی در تربیت کودکان ، ص ۱۲۳

۳- آسیب های تربیت دینی در حوزه ی مریان

۳-۱: عدم مطابقت قول و فعل

از مهمترین آسیب ها در تربیت دینی عدم مطابقت قول و فعل متولیان تعلیم و تربیت است. در مورد لزوم مقارنت و مطابقت قول و عمل روایات فراوانی نقل شده است که وجود رابطه ی تأثیر و تأثر متقابل میان آن دو را به اثبات می رساند.^۱

همراهی و هماهنگی سخن و عمل مریان سبب می شود که شنونده به سرعت به سخن گوینده اعتماد نماید و شخصیت گوینده را به راحتی به عنوان الگو بپذیرد. در مقابل، عدم مطابقت قول و عمل، در بسیاری از موارد باعث بی اعتمادی مخاطبان به اصل سخن شده و به موازات آن کمترین تأثیر مثبت را بر آنان خواهد گذاشت و حتی گاهی تأثیر عکس را به همراه می آورد به ویژه، زمانی که مخاطب قدرت تحلیل نداشته باشد.

«اگر کودکان تضادی بین آنچه معلم می گوید و آنچه که عملاً انجام می دهد مشاهده کنند، آنها آنچه را که می گوید نادیده خواهند گرفت و هر چه بیشتر تحت تأثیر آنچه که انجام می دهد، قرار خواهند گرفت.»^۲

امام صادق (ع) ضرورت مطابقت قول و فعل عالمان و واعظان را اینگونه بیان فرموده اند:

«اگر عالم و دانشمند به علم خود عمل نکنند، موعظه و اندرز او از دلها می لغزد آنچنانکه باران از روی سنگ صاف و نشیبهای لغزنده ی کوه صفا لغزان است.»^۳

متأسفانه این آسیب، همواره تربیت دینی را تهدید می کند. شهید بهشتی، با صراحت اعلام می کند که تضاد بین قول و فعل دعوت کنندگان، نتیجه ی متفاوت و گاهی عکس دارد:

«جای تأسف است که هر قدر شما مردم، به روش و سنن عملی ما دعوت کنندگان زبانی و قلمی نزدیکتر می شوید این تگرانی وجود دارد که گرایششان به آنچه ما شما را بدان دعوت می کنیم نه تنها بیشتر نمی شود بلکه، حتی گاهی کمتر و ضعیف تر می شود.»^۴

به همین جهت بر دعوت عملی تأکید می نماید:

«دنيا در پی یافتن راههای عملی برای بهتر زیستن است نه راههای ادعایی. نسل جوان خودمان هم همین طور. هر جا به هر مقدار، عمل به معیارهای اسلامی سراغ داشته باشید دیگر هیچ احتیاجی به تبلیغ نیست. خود به خود دل و جان و فکر و ایمان او (مخاطب) آنجاست.»^۵

و توصیه می کند که برای جلوگیری از این آسیب، مسئولیت خطیریک عالم دینی که در راه تزکیه و تعلیم مردم می کوشد آن است که ابتدا خود را تزکیه کند و در مسیر تقوا کوشش نماید.^۶ در غیر اینصورت نه می تواند به خیر دعوت کند و نه حرفش را می پذیرند.

۱- برای مطالعه برخی از این روایات ر. ک. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۰۹۳

۲- راهنمای عملی تدریس، ص ۳۰۸

۳- کافی، ج ۱، ص ۵۶ به نقل از کتاب آداب تعلیم و تعلم در اسلام

۴- بایدها و نبایدها، ص ۱۴۳

۵- همان، ص ۳۷

۶- ولایت، رهبری، روحانیت، ص ۳۱۲

« وقتی من عالم دینی اسیر (القابی مانند) آیت الله و آیت الله العظمی باشم ، دیگر نمی توانم رهبر مبارزه با تشریفات در قشرها و گروه های دیگر شوم؟! »^۱

ایشان این اصل را برای جامعه ی اسلامی که می خواهد الگویی برای دیگر جوامع باشد و آنها را به سوی خود دعوت کند شرط اساسی می داند.

« ما با شعار داشتن آیین حق و عدل در جهان امروز دعوت خودمان را عرضه می کنیم البته به یک شرط ، به شرط اینکه عمل ما آنقدر وارونه نباشد که مردم دنیا را بیزار کند و بگویند اگر بخواهیم حق و حق پرستی را در رفتار شما بنگریم ما از این حق گریزانیم و این آن حقی نیست که فطرت ما جستجو می کرد. و اگر بخواهیم عدل را در زندگی و رفتار نظام اجتماعی و اقتصادی شما بنگریم ، این هم آن عدلی که ما می خواهیم نیست. این عدل ، عدل قلبی است.»^۲

جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی به عنوان یکی از این جوامع ، در مسیر دعوت خویش باید تجسم و تجلی این ذهنیت والای بشری فرود آمده از عرش الهی باشد تا بتوان گفت که مشغول نشان دادن اسلام به دنیا و تبلیغ آن در جهان هستیم.

۲-۳: «غیر محوری» به جای «حق محوری»

در تعلیمات اسلام ، معیار و ملاک سنجش امور، میزان تطابق آنها با «حق» است. اگر در کاری نیت ، محتوا، شیوه ی عمل، بازخورد و نتیجه ی آن بر اساس موازین حق، مثبت باشد، انجام آن کار در کل حق بوده است و تجویز می گردد و به نسبت دوری از حق ، به باطل نزدیکتر می شود.^۳

با توجه به تأثیر مثبت و ذاتی «حق» در همه ی امور، فضای حاکم بر هر فعالیتی از آغاز تا انجام باید با محوریت «حق» باشد تا به نتیجه مطلوب و نهایی برسد. تلاش ها تا آن جا که در جهت نور ، حق و عدل باشد حتی در محیط فساد به حرکت خود ادامه می دهد و به محض اینکه کار به خود پرستی آغشته شود و یک نوع خود پایی و سود طلبی به کار آمیخته شود، از اوج فرو می افتد ؛ این طبع و طبیعت کار است. آغشتگی و آمیختگی هر حرکتی با باطل ، خود پرستی ، شیطان گرایی ، اهریمن گرایی، سود پرستی و من پرستی آن را از ارزش می اندازد و سبب می شود همچون کرمی از درون آنرا فاسد نماید و ضمن جلوگیری از به نتیجه رسیدن آن ، نفعی به همراه نخواهد داشت.^۴

بر مبنای اساسی ترین بخش های تعلیم و تربیت دینی ، « کشف حقیقت» باید دغدغه ی اصلی در جریان هدایت ، دعوت و تربیت باشد. لذا تمام مباحثات ، تبادل نظرها باید روشن گرا، سازنده، منطقی و

۱- بایدها و نبایدها ، ص ۳۳

۲- حق و باطل از دیدگاه قرآن ، ص ۶۲

۳- روش های تعلیم در قرآن و سنت ، ص ۱۵۸

۴- حق و باطل از دیدگاه قرآن ، ص ۱۰۷

به دور از جنجال آفرینی باشد و گرنه به جای هدایت به ضلالت منتهی می گردد^۱. و موجب می شود که زمینه های مثبت و ارزنده ی هدایت مخاطبان به زمینه های ضد آن تبدیل شود.^۲ از آنجا که پرورش انسانهای جستجوگری که در پی شناخت حق هستند از اهداف تربیت است. آهنگ تربیت مدرسه نیز باید از هر گونه تحجر، تعصب، تحجر و نیز مطالب را در چارچوب های محدود آوردن به دور باشد. مدرسه ای که این سیر را طی نکند نمی تواند ادعای خدمت به اسلام و به حق کند.

«مدرسه ای که بخواهد یک مشت انسان لجوج و پرخاشگر متعصب تربیت کند که نتوانند دو کلمه حرف بزنند چه ارزشی دارد؟ در این صورت چه خدمتی به اسلام و به حق کرده اند؟ به چه انگیزه ای؟!»^۳

اولین انتظار مخاطبان دعوت، آن است که داعیان و مرییان بر مبنای حق پذیری، حق محوری، حق گرایی و عدل طلبی حرکت نمایند زیرا:

«اگر در همان گام اول که با ما روبرو می شود ما را آدمهای لجوج و متعصب به معنای خود محور بیابد - که من محور حق و باطل هستم، من ترازوی منحصر به فرد حق و باطل و عدل و ظلم هستم - مسلم است و گمان می کنم برای همه ی ما روشن باشد که از ما فاصله خواهد گرفت.»

و در ادامه می گوید:

« هر فرد و گروهی که این گرفتاری (خودمحوری) را داشته باشد اگر از تمام دستگاههای تبلیغاتی دنیا و آخرین فنون تبلیغاتی، بهترین فیلم، شیرین ترین بیان و جذابترین شعرها و مهیج ترین نمایشنامه ها و فیلم ها هم استفاده کند باز به جایی نمی رسد.»^۴

خود محوری به این معنا یکی از آسیب های روحانیت در اسلام بوده است.^۵

۳-۳: عدم توجه به تفاوت های فردی و تفاوت های گروهی

عدم توجه به تفاوت های فردی: خصوصیات ذاتی و منحصر به فرد انسان که ریشه در وراثت دارد و خصوصیتی که در تعامل با محیط کسب می نماید شخصیت انسان را می سازد لذا وجود تفاوت های فردی در میان انسانها طبیعی و انکار ناپذیر است. واز آنجا که «انسان» محور تعلیم و تربیت است نمی توان از این تفاوتها چشم پوشید. شهید بهشتی، تفاوت های فردی و اهمیت آن ها را به زیبایی تبیین کرده است:

«هر یک از دانش آموزان که در کلاس شما هستند، یک کتاب تازه نوشته می باشند آن هم نسخه ی منحصر به فرد... مطالعه این نسخه و این کتاب شما را از مطالعه ی دقیق علمی انسانی دیگر که کتاب دیگری است بی نیاز نمی کند... کسی که با این کتاب سر و کار دارد اگر بخواهد آگاهانه با او روبرو شود باید دائماً در حال مطالعه باشد.»^۶

۱- شریعتی، جستجوگری در مسیر شدن، ص ۶۰
۲- همان، ص ۸۱ - ۸۰
۳- همان، ص ۵۹ - ۵۸
۴- حق و باطل از دیدگاه قرآن، ص ۶۴ - ۶۳
۵- ولایت، رهبری، روحانیت، ص ۳۸۶
۶- نقش آزادی در تربیت کودکان، ص ۱۵۶ - ۱۵۵

برنامه ریزان تعلیم و تربیت ، با توجه خاص به تفاوت‌های فردی، در تعیین محتوا و میزان آن و هم چنین شیوه های آموزش و تربیت ، عواملی را مورد ملاحظه قرار می دهند. همچون مقطع سنی ، سطح بلوغ ، تواناییها ، شرایط اقتصادی _ اجتماعی ، خانواده ، بهره ی ضریب هوشی ^۱.

شهید بهشتی با توجه به تفاوت های فردی می گوید:

« توقع اینکه میزان یاددادن مطالب در مدرسه به بچه ها در حد نصاب یا در حد کمال باشد غلط است چون همیشه در کلاس افراد زیر متوسط هم وجود دارند. کلاس ، حداکثر می تواند در حد متوسط بچه ها برنامه ریزی کند.»^۲
و در جایی دیگر؛ بر اساس آیه ی شریفه ی « لا یکلف الله نفساً الا وسعها»^۳ بر توجه به توانایی های افراد در تعیین تکالیف و میزان آن تأکید می ورزد تا احیاناً موجب نقض اهداف ارائه ی تکلیف نشود.^۴
عدم توجه به تفاوت های گروهی : معمولاً معلم و مربی با بیش از یک نفر به عنوان مخاطب روبروست لذا توجه به تفاوت‌های گروهی ، ویژگیهای مشترک و شرایط حاکم بر آنها اهمیت فراوانی دارد. صاحب کتاب « ایقاظ العلماء و تنبیه الامراء » با توجه به تفاوت‌های گروهی می گوید:

« مسلماً القاء بعضی مطالب به مردم عادی و یاد کردن آن ، نزد آنان حرام است چرا که بسیارند کسانی که ، حق را از باطل نمی شناسند و کنه کلام را درک نمی کنند و از همین طریق به گمراهی دوری می افتند.»^۵
شهید بهشتی معتقد است که داعیان و مربیان ، برای جلوگیری از انحراف مردم عوام باید از بیان اموری که ذره ای بوی متشابهات می دهد پرهیز نمایند و در عوض حامل محکومات دین باشند.^۶ به همین دلیل طرح بحث ولایت تکوینی را در سطح عوام رد می کند و می گوید :

« من همواره این مسأله را گفته ام ، بزرگترین خطا را در طرح آن در محافل و مجامع عمومی می دانم برای اینکه بدون شک این مسأله آن قدر ظریف است و ظرافت دارد که انسان را در مرز میان ایمان و کفر قرار می دهد . خود ائمه ی ما - سلام الله علیهم اجمعین - مکرر توصیه کرده اند که این گونه مسائل برای عموم قابل طرح نیست.»^۷
ایشان هم چنین معتقد است شیوه ی طرح مباحث نیز با توجه به نوع مخاطب باید متفاوت باشد. در سطح عموم باید به شکل القایی باشد نه تحلیلی و بر عکس در سطح خواص باید تحلیلی باشد نه القایی تا قابل پذیرش باشد.^۸

۱- طراحی آموزشی ، ص ۲۳

۲- نقش آزادی در تربیت کودکان ، ص ۸۳

۳- سوره ی مبارکه ی بقره ، آیه ی ۲۸۶

۴- نقش آزادی در تربیت کودکان ، ص ۳۳

۵- به نقل از کتاب روش های تعلیم در قرآن و سنت ، ص ۳۰۴

۶- شریعتی ، جستجو گری در مسیر شدن ، ص ۶۵

۷- همان ، ص ۴۶

۸- حق و باطل از دیدگاه قرآن ، ص ۴۴

۳-۴: عدم درک و شناخت زمان

از نظر شهید بهشتی برای تعلیم و تربیت مردم، علاوه بر دانش کامل نسبت به قرآن کریم، سنت و سیره ی معصومین، شناخت مردم و زمانی که در آن زندگی می کنند ضرورت دارد.^۱ چرا که شناخت زمان تأثیر مستقیم در بلیغ بودن مربی دارد:

« بلاغت مربوط به الفاظ نیست بلکه به این است که شما (مربیان) دائماً در فرهنگ معنوی و اخلاقی، سیاسی و اجتماعی روز حضور داشته باشید. باید بدانید امروز جوانها چه کتابهایی را می خوانند، چه سؤالاتی برایشان مطرح است. توده های مردم چه سؤالاتی برایشان مطرح است...»^۲

به نظر ایشان، شرط استقبال از گفته ها و نوشته ها از سوی خواص آن است که متناسب با زمان باشند.^۳ هم چنین برای دعوت جهانیان به اسلام نیز شناخت جو حاکم بر جهان امروز را ضروری می داند و معتقد است: باید نیازمندی ها و آمال آنها را شناخت و بر اساس آگاهی های بدست آمده تصمیم های مقتضی اتخاذ شود.^۴

۳-۵: جاذبه نداشتن

از صفات مربیان بر جسته جذاب بودن است. آنها با تاسی به پیامبر اکرم (ص) با گفتار و رفتار خود دیگران را جذب می کنند. هر چه این قدرت در افراد بیشتر باشد امکان اثر گذاری بیشتر است:

« روحانیون زبده در برخورد با کسانی که دچار انحراف شناختی درباره ی اسلام بودند می کوشیدند اینها را در درجه ی اول جذب کنند. بعضی ها خوش سلیقه نبودند از همان اول دعوا می کردند بنابر این بیشتر دفع می کردند»^۵

ایشان ضمن اصرار بر داشتن جاذبه در گفتار و رفتار، آسیب زا بودن جاذبه ی بدون دافعه را تأکید می کند.

« هر انسان مکتبی خود به خود دافعه هم دارد. آنهایی که می خواهند سرا پا جاذبه باشند بدون دافعه، اینها صلح کل هایی هستند که خود دچار نوعی التقاط و انحراف اند.»^۶

۳-۶: جدایی میان مربیان و متربیان

شهید بهشتی در تبیین نقش روحانیت در اسلام، خدمت به مردم و گره گشایی از کار مردم را از جمله نقشهای مهم آنان بر می شمرد و معتقد است که آنان در این نقش، پیام اسلام را بهتر می توانند تبلیغ کنند. چرا که رابطه ی دین و دنیا را به بهترین وجه ترسیم می نمایند و دین داری را از انحصار در نماز و عبادتهای خاص خارج می کنند.^۷

۱- ولایت، رهبری، روحانیت، ص ۳۱۳

۲- همان، ص ۳۰۳

۳- همان، ص ۲۹۸

۴- حق و باطل از دیدگاه قرآن، ص ۶۱

۵- ولایت، رهبری، روحانیت، ص ۲۹۷

۶- همان

۷- ولایت، رهبری، روحانیت، ص ۲۹۶-۲۹۷

در اسلام، روحانی و مردم مثل ماهی و آب هستند. روحانی با مردم و در مردم زنده است و بدون مردم و جدا از آنها نمی تواند رسالتش را ایفا کند.^۱ تبیین اسلام اصیل، تهذیب اخلاق، روشنگری و ... با حضور در میان مردم امکان پذیر است.^۲ دشمن با فهم دقیق این موضوع، همواره برای متزلزل کردن این ارتباط تلاش می کند تا قصه ی زمان رضاخان تکرار شود.^۳ چرا که آن زمان تفرقه ای جدی بین اقشار مختلف با روحانیت اتفاق افتاد.

شهید بهشتی سایر آسیب هایی را که جریان روحانیت در اسلام به آن مبتلا شده است عبارت می داند از:

- ۱- تظاهر به زهد، تقوا و باز شدن دکان های تازه ی تجارت
- ۲- دوری کردن و سرباز زدن از هر گونه مسئولیت و وظیفه با تمسک به عناوینی همچون « بندگان مقرب خدا »
- ۳- تن ندادن به کار و کوشش و کسب حرفه (آنها خواندن نماز، عبادت کردن و بیان آیات را حرفه خود قرار دادند.)
- ۴- خود را مستجاب الدعوه و گره گشای مشکلات مردم در درگاه خدا شمردند و بابت نوشتن ادعیه و طلسمات و ... پول اخذ می کردند
- ۵- عدم تقید به شریعت با تمسک به اینکه به مقام یقین رسیده اند.
- ۶- منحصر کردن کسب دانش دینی به طبقه ی خود جهت تسلط بر مردم.^۴

۴- آسیب های تربیت دینی در حوزه ی روشها

قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت و تربیت بشر برای نیل به اهداف تربیتی خویش از روشهای گوناگونی (مستقیم و غیر مستقیم) استفاده کرده است روش هایی همچون پرسش و پاسخ، تمثیل، قصه گوئی و الگو پردازی. و روشهایی را به پیامبر اکرم (ص) پیشنهاد کرده است:

"ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه ..."^۵

مربیان با الگوگیری از قرآن کریم، رسول خدا (ص) و ائمه ی معصومین علیهم السلام، در مسیر تربیت مخاطبان خود، از روش های متناسب با اهداف مورد نظر خود استفاده می کنند تا به نتیجه ی مطلوب برسند. در عین حال، از آسیب های جدی در تربیت دینی، آسیب ها در حوزه ی روشها است. شهید بهشتی در آثار خود به تعدادی از مهمترین آسیب ها در این زمینه پرداخته است.

۱- همان، ص ۳۱۳

۲- همان، ص ۳۰۱-۳۰۰

۳- همان، ص ۳۲۸

۴- ولایت، رهبری، روحانیت، ص ۳۸۶-۳۸۵

۵- سوره ی مبارکه ی نحل، آیه ی ۱۲۵

۴-۱: تأکید بر دعوت زبانی به جای دعوت عملی

جایگاه و نقش کلام در تعلیم و تربیت، با عنایت به اینکه بسیاری از روشهای تربیتی بر پایه سخن و سخن گفتن است، انکار ناپذیر است. امام علی (ع) اثر گذاری کلام را در تربیت اینگونه بیان می فرماید:

"رُبَّ كَلَامٍ اَنْفَذَ مِنْ سَهَامٍ"^۱

نوع کلام، کیفیت و میزان استفاده از آن در کارایی این روش اثرگذار است و اغلب آسیب ها در عدم توجه به همین نکته نهفته است.

شهید بهشتی در آثار خود، بر این نکته تأکید می کند که هر چند زبان و دعوت زبانی در تاریخ اسلام اهمیت داشته ولی نسبت به روشهای دیگر از جایگاه کمتری برخوردار بوده است.

«چرا نمی خواهیم لمس کنیم که دعوت بر خیر در اسلام، ده در صد هم به زبان نبوده است.»^۲

وی در آسیب شناسی زندگی اجتماعی دوران خویش نیز می گوید:

«یکی از آفت های زندگی اجتماعی ما رواج بازار دعوت زبانی و اخیراً قلمی و کساد بازار دعوت عملی است... یعنی ما دعوت کنندگان قلمی و زبانی که در بخش زبانی و قلمی چه بسا پُر تجلی هستیم اما متأسفانه در بخش دعوت عملی آن ارج و اثر گذاری متناسب با رسالتمان را چندان نداریم.»^۳

و این در حالی است که در احادیث، دعوت عملی بر زبانی مقدم است.^۴ لذا در تبیین معارف دینی، باید از حرفهای تکراری و از بحث های زائد خودداری نمود و پس از هر روشنگری، حتماً عملی که آن را تثبیت کند انجام شود.^۵

ایشان به مریبان، معلمان، روحانیون و تمام کسانی که در حوزه ی تربیت انسانها فعالیت می کنند توصیه می کنند که:

- ۱- سعی کنند مقداری بازار دعوت های زبانی و قلمی کم رونق شود.
- ۲- شبکه ی تبلیغ و دعوت، به شبکه ی تبلیغ و دعوت عملی تبدیل شود.^۶
- ۳- شعار اصلی درد عوت، عمل به روایت «کونوا دعاه الناس بغير الستتکم»^۷ باشد.^۸

۱- میزان الحکمه، جلد ۳، ص ۲۷۳۴

۲- بایدها و نبایدها، ص ۳۸

۳- بایدها و نبایدها، ص ۱۴۳

۴- همان، ص ۱۴۲

۵- نقش آزادی در تربیت کودکان، ص ۱۴۸

۶- بایدها و نبایدها، ص ۱۴۳

۷- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۶۰۲

۸- بایدها و نبایدها، ص ۳۷

۴-۲: روش الگویی و آسیب های آن

از روش های مورد مورد تأکید قرآن کریم در تعلیم و تربیت ، روش الگو پردازی است. اما این روش آسیب هایی را تجربه کرده است. از آسیب های مطرح در این روش « مرید پروری » است . حال آنکه روش الگو پردازی ، ضمن رد تکروی (نفی هر گونه اقتدا به دیگران) ، باید از هر گونه مرید پروری جلوگیری نماید. به گونه ای که متربی ، الگو را ، ورای معیارها قرار ندهد و به او تنها به عنوان یک الگو بنگرد.^۱

به عقیده ی صاحب نظران تعلیم و تربیت فرا انسانی جلوه دادن الگوهای دینی به کار کرد روش الگو پردازی آسیب جدی وارد کرده است :

« از جمله اموری که کارکرد روش اسوه پردازی در تربیت دینی را مختل می سازد ، فرا انسانی جلوه دادن الگوهای دینی و تقدس بخشیدن بسیار به آنان تا حدی است که متربیان خود را از همانند سازی با آنان عاجز ببینند.»^۲

شهید بهشتی پرده های دیگری از آسیب ها در روش الگو پردازی را ترسیم می کند. پرده ی اول : به عقیده ایشان برخی از افراد، در روش الگویی به جای تأکید بر الگوگیری از آنها ، تکیه بر کرامات و معجزات و امور خارق العاده ای که از آنان سر زده می کنند و مخاطبان خود را از این طریق دعوت می نمایند. این افراد تنها به ذکر مناقبی از آنها اکتفا می کنند . آنها به اشتباه بشریت را در پرتو اعتقاد به کرامات و کارهای خارق العاده به راه خدا دعوت می کنند. این در حالی است که کرامات و معجزات و ... سر جای خودش محفوظ است اما برای خودش حدی دارد ، قانونمندی دارد.^۳

پرده ی دوم : آسیب ها در روش الگویی به تکیه بر کرامات و امور خارق العاده ی الگوهای دینی خلاصه نمی شود بلکه در انحرافی بزرگ ، گاهی مسأله ی ولایت به معنای محبت پیغمبر و خاندان ایشان به صورتی در می آید که خدا به کناری نهاده می شود و اولیاء الهی به چشم می آیند نه خدا.^۴ حال آنکه عشق و گرایش به پیغمبر و امام باید به تقویت پیوند ما با خدا منجر شود نه آنکه مانع و حجاب پیوند شود. برخی پیغمبر دوستی و امام دوستی ها انسان را از خدا دور می کند و آن زمانی است که انسان عاشق شکل و شمایل و هیكل و نام و افتخارات آنها باشد.^۵

بنابر این ارائه ی تصویر ایده آل و دست نیافتنی از الگوهای دینی و در مقابل ترسیم تصویری سطحی از آنان و اکتفا به افتخارات آنان نتیجه ای جز انحراف از کارکرد الگوها در پی نخواهد داشت .

۱- نگاهی دوباره به تربیت اسلامی ، ج ۲ ، ص ۳۳۸

۲- آسیب های تربیت دینی ، ص ۱۳۷

۳- بایدها و نبایدها ، ص ۸۶

۴- نقش آزادی در تربیت کودکان ، ص ۱۸۱

۵- بایدها و نبایدها ، ص ۱۹

۳-۴: بی توجهی به نقش آزادی و آگاهی

شهید بهشتی، آگاهی و آزادی را دو اصل اساسی در جریان تعلیم و تربیت معرفی می کند.^۱ و معتقد است باید تمام جریان ها و دستگاههای تربیتی با جاذبه های معنوی و مادی انسانها را به سوی خود جذب نمایند به شرط آنکه این جاذبه ها با دو عنصر آزادی و آگاهی همراه باشند.

« جریان های سازنده باید طوری باشد که انسانها را در خودش فرو برد، اما نه یک فرو بردنی که خود آگاهی و انتخاب آزاد را از آنها سلب بکند و به شکل یک جبر اجتماعی در بیاید ... این نمی تواند دوام داشته باشد و اصولاً نمی تواند ما را به راه اسلام ببرد. ما باید اصل « لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی فمَن یُکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی لا انقصاص لها»^۲ را در دعوت رعایت کنیم.»^۳

ایشان عدم توجه به آزادی در تعلیم و تربیت را خیانت به شخصیت انسانی مخاطبان می داند زیرا از نگاه ایشان نهایت و غایت این نوع تربیت، تبدیل شدن مخاطبان به مهره و انسان های قالبی ابزاری است. انسانهایی که در مدل های از پیش تعیین شده می اندیشند، زندگی می کنند و حتی می میرند نه انسان واقعی.^۴ از همین رو هنر معلمان و مربیان در اداره ی کلاس را، ایجاد احساس آزادی واقعی در دانش آموزان می داند به گونه ای که تک تک آنان نقش خود را در حرکت تکاملی خویش مشاهده کنند.^۵

۴-۴: بی توجهی به اصل تنبیه و تشویق

از اصول بسیار مهم نظام تعلیم و تربیت اسلامی که بر آن تأکید دارد اصل تشویق و تنبیه می باشد که با عناوین بشارت و انذار، ترغیب و ترهیب نیز تعبیر شده است. آنچه در پی می آید دیدگاه شهید بهشتی پیرامون این اصل و آسیب هایی که ممکن است عدم توجه به آن ایجاد کند می باشد.

۴-۴-۱: بهره نگرفتن از تنبیه و تشویق

ایشان معتقد است که اصل تشویق و تنبیه با فطرت انسان مطابقت دارد چرا که خداوند انسان را به گونه ای آفریده که هم درون گرایی دارد و هم برون گرایی، هم یک سلسله انعطاف های درونی دارد و هم یک سلسله انعطاف های بیرونی. آئین اسلام، هماهنگ با ساختار وجودی انسان، فرایند هدایت و تربیت را از رغبت های درونی شروع می کند و با اجبارهای بیرونی همراه می نماید.^۶ با توجه به تلائم این اصل با فطرت انسان، بی توجهی به آن امید رسیدن به اهداف مطلوب تربیت را کاهش می دهد:

« اگر ما بخواهیم در تربیت ها صرفاً روی آن علاقه های خالص درونی، بدون هیچ گونه تشویق یا تهدید، یا تنبیه خارجی تکیه کنیم، گمان نمی کنم بتوانیم هیچ سیستم تربیتی را به ثمر برسانیم، این دو عامل باید در کنار هم باشند.»^۷

۱- نقش آزادی در تربیت کودکان، ص ۶۲

۲- سوره ی مبارکه ی بقره، آیه ی ۲۵۶

۳- نقش آزادی در تربیت کودکان، ص ۷۲

۴- همان

۵- نقش آزادی در تربیت کودکان، ص ۷۳

۶- سرود یکتا پرستی، ص ۸۸

۷- همان، ص ۸۹

۴-۲: انحراف در اهداف تشویق و تنبیه

تشویق و تنبیه وسیله ای برای برانگیختن و ایجاد انگیزه در مخاطب است و هر گز نباید به عنوان هدف اصلی به آن نگرست یا اهداف دیگری جز ایجاد انگیزه را دنبال کرد. شهید بهشتی انحراف مذکور را اینگونه بیان می کند:

« اگر تشویق در خط گول زدن، فریفتن و طمع برانگیختن باشد ضد آهنگ اسلامی است و اگر تنبیه در خط مرعوب کردن، انسانها را خرد یا بزرگ کردن، از هویت و استقلال و شخصیت تهی کردن باشد، این هم راه اسلام نیست. تشویق و تنبیه باید باشد ولی در حد متناسب با برانگیختن نیروها.»^۱

^۱ - نقش آزادی در تربیت کودکان، ص ۷۳-۷۴

خلاصه و نتیجه گیری :

دقت در آسیب های تربیت دینی که توسط آیت الله دکتر شهید بهشتی تبیین شده است نشان می دهد: ایشان تعلیم و تربیت دینی را در یک الگوی ارتباطی قرار داده است. در یک سوی آن متولیان رسمی تعلیم و تربیت (فرستنده) قرار دارند که شامل والدین، معلم و روحانیت می باشد. این عناصر در فرایند تعلیم و تربیت دینی با ارائه ی محتوای مطابق با اهداف تربیت دینی (پیام) در مخاطبان خود (گیرنده)، شناخت، نگرش و رفتار جدیدی ایجاد می نمایند. پیام ها در این الگو باید بر منابع متقن، با توجه به شرایط زمان و نیازهای مخاطبان باشد. عنصر دیگری که در الگوی مدنظر ایشان از اهمیت ویژه ای برخوردار است شیوه ی انتقال مفاهیم و تعالیم یا ایجاد رفتارهای خاص، در مخاطبان می باشد و می تواند در شکل گفتار و بویژه رفتار باشد.

براساس این الگو، فرایند تعلیم و تربیت دینی در حلاء انجام نمی شود بلکه مثل هر ارتباط دیگری در بستر و زمینه ای صورت می گیرد که می تواند جریان تعلیم و تربیت دینی را تقویت، تضعیف یا خنثی نماید. دوستان، رسانه ها، محیط اجتماعی و حکومت این بستر را شکل می دهند. شهید بهشتی (ره) براساس این الگوی ارتباطی، مهمترین عوامل و عناصر مؤثر یا بازدارنده در تعلیم و تربیت دینی و سهم هر کدام از آنها را مشخص می نماید. هم چنین آسیب ها، چالش ها و موانع تعلیم و تربیت دینی را تبیین می کند که به طور مختصر ارائه می گردد:

۱- زمینه ها

آسیب ها در این حوزه عبارتند از، بی توجهی به نیازهای جسمی مؤثر بر تعلیم و تربیت، بی توجهی به نقش الگویی والدین، تضاد میان دو نسل، دوستان نامناسب، عدم هماهنگی و احیاناً تضاد میان اهداف و برنامه ریزی های محیط اجتماعی، رسانه ها و حکومت با برنامه ها و اهداف تعلیم و تربیت دینی. در این میان، حکومت، نقش ویژه ای دارد چرا که جهت دهنده به سایر عوامل از جمله نهاد های تعلیم و تربیت، رسانه ها و محیط اجتماعی می باشند. بنابراین آسیب ها از ناحیه ی حکومت مهمترین آسیب می باشد.

۲- منابع و محتوا:

مهمترین آسیب ها در این حوزه عبارتند از: حذف عقل از منابع شناخت، محدود نمودن منبع شناخت به قرآن کریم با شعار «حسبنا کتاب الله» و انحراف تعالیم و مفاهیم دینی در شکل التقاط، تفسیر به رأی و تمسک به روایات مجعول و ضعیف.

۳- مریبان :

عدم مطابقت قول و فعل ، عدم توجه به تفاوت‌های فردی و گروهی ، " غیر محوری " به جای حق محوری ، عدم درک و شناخت زمان ، نداشتن جاذبه و بالاخره جدایی میان مریبان و متریبان از آسیب های این حوزه است .

از نظر دکتر بهشتی (ره) ، عدم مطابقت قول و فعل بیشترین آسیب را در این حوزه ایجاد می کند .

۴- اصول و روشها :

تأکید بر دعوت زبانی به جای عملی در میان روشها و عدم توجه به نقش آزادی و آگاهی در میان اصول تعلیم و تربیت مهمترین آسیب ها در این حوزه می باشند . مرید پروری ، عدم توجه به نقش الگویی الگوهای دینی و هم چنین عدم توجه به اصل تشویق و تنبیه در رتبه های بعد قرار دارد .

منابع :

قرآن کریم

- ۱- باقری ، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی ،جلد دوم، تهران ، انتشارات مدرسه ، ۱۳۸۴
- ۲- برومند، سید مهدی ، شیوه های تعلیم در قرآن و سنت ، رشت، انتشارات کتاب مبین ، ۱۳۷۹
- ۳- حاجی ده آبادی ،محمد علی، آسیب شناسی تربیت دینی، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه
- ۴- (علامه)حرائی، تحف العقول عن آل الرسول، به تصحیح:علی اکبر غفازی، انتشارات اسلامیه، ۱۳۶۶
- ۵- حسینی بهشتی، سید محمد و دیگران، آزادی، هرج و مرج، زورمداری، تهران، نشر بقیه، ۱۳۸۱
- ۶- _____، _____، بایدها و نبایدها، تهران نشر بقیه، ۱۳۸۰
- ۷- _____، _____، عدالت و حق و باطل از دیدگاه قرآن، تهران، نشر بقیه، ۱۳۸۲
- ۸- _____، _____، دکتر شریعتی جستجوگری در مسیر شدن، _____، ۱۳۷۹
- ۹- _____، _____، روش برداشت از قرآن، _____، ۱۳۸۵
- ۱۰- _____، _____، سرود یکتا پرستی ، _____، ۱۳۷۹
- ۱۱- _____، _____، شناخت از دیدگاه فطرت، _____، ۱۳۷۸
- ۱۲- _____، _____، موسیقی و تفریح در اسلام، _____، ۱۳۸۴
- ۱۳- _____، _____، نقش آزادی در تربیت کودکان، _____، ۱۳۸۱
- ۱۴- _____، _____، ولایت، رهبری، روحانیت، _____، ۱۳۸۳
- ۱۵- ری شهری، محمد، میزان الحکمه ، قم ، دارالحديث، ۱۳۷۵
- ۱۶- عباسی مقدم، مصطفی، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، تهران، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱
- ۱۷- عظیمی سیروس ، روانشناسی کودک، تهران، انتشارات صفار، ۱۳۷۲
- ۱۸- قرائتی محسن ، قرآن و تبلیغ، انتشارات مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن تهران، ۱۳۷۸
- ۱۹- کوهن ، لوئیز - مانیون، لارنس، راهنمای عملی تدریس، ترجمه ی فاطمه شاکری ، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲
- ۲۰- مطهری مرتضی، علل گرایش به مادیگری ، تهران، انتشارات صدرا ۱۳۷۰
- ۲۲- یغما ، عادل، طراحی آموزشی ، انتشارات مدرسه
- ۲۳- مجموعه مقالات آسیب شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، جلد دوم، به اهتمام خسرو قبادی، تهران، محراب قلم